

(وَمِنْ خُطْبَةٍ لَهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ:) الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا تُدْرِكُهُ الشَّوَاهِدُ، وَلَا تَحْوِيهِ الْمَشَاهِدُ، وَلَا تَرَاهُ النَّوَظِرُ، وَلَا تَحْجُبُهُ السَّوَابِرُ، الدَّلَالُ عَلَى قَدَمِهِ بِحُدُوثِ خَلْقِهِ، وَبِحُدُوثِ خَلْقِهِ عَلَى وُجُودِهِ، وَبِاشْتِبَاهِهِمْ عَلَى أَنْ لَا شِبْهَ لَهُ، الَّذِي صَدَقَ فِي مِيعَادِهِ، وَارْتَفَعَ عَنِ ظُلْمِ عِبَادِهِ، وَقَامَ بِالْقِسْطِ فِي خَلْقِهِ، وَعَدَلَ عَلَيْهِمْ فِي حُكْمِهِ، مُسْتَشْهِدٌ بِحُدُوثِ الْأَشْيَاءِ عَلَى أَرْزَاقِهِ، وَبِمَا وَسَمَهَا بِهِ مِنَ الْعَجْزِ عَلَى قُدْرَتِهِ، وَبِمَا اضْطَرَّهَا إِلَيْهِ مِنَ الْفَنَاءِ عَلَى دَوَامِهِ، وَاحِدٌ لَا بَعْدَ، وَدَائِمٌ لَا بِأَمَدٍ، وَ قَائِمٌ لَا بِعَمَدٍ، تَتَلَقَّاهُ الْأَذْهَانُ لَا بِمُشَاعِرَةٍ، وَتَشْهَدُ لَهُ الْمَرَائِي لَا بِمُحَاضِرَةٍ، لَمْ تُحِطْ بِهِ الْأَوْهَامُ، بَلْ تَجَلَّى لَهَا بِهَا، وَبِهَا ائْتَمَعَ مِنْهَا وَإِلَيْهَا حَاكَمَهَا، لَيْسَ بِذِي كِبَرٍ ائْتَدَّتْ بِهِ النَّهَائِيَاتُ فَكَبَّرَتْهُ تَجْسِيمًا، وَلَا بِذِي عَظَمٍ تَنَاهَتْ بِهِ الْغَايَاتُ فَعَظَّمَتْهُ تَجْسِيدًا، بَلْ كَبُرَ شَأْنًا، وَعَظُمَ سُلْطَانًا، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ الصَّفِيُّ وَأَمِينُهُ الرَّضِيُّ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، أَرْسَلَهُ بِوُجُوبِ الْحُجَجِ، وَظُهُورِ الْفَلَاحِ، وَإِبْضَاحِ الْمُنْهَجِ، فَبَلَّغَ الرِّسَالَةَ صَادِعًا بِهَا، وَحَمَلَ عَلَى الْمَحْجَّةِ دَالًّا عَلَيْهَا، وَأَقَامَ أَعْلَامَ الْإِهْتِدَاءِ، وَمَنَارَ الضِّيَاءِ، وَجَعَلَ أَمْرَاسَ الْإِسْلَامِ مَتِينَةً، وَعَرَى الْإِيمَانَ وَثِيقَةً.

مِنْهَا فِي صِفَةِ عَجِيبِ خَلْقِ أَصْنَافٍ مِنَ الْحَيَوَانِ: وَلَوْ فَكَّرُوا فِي عَظِيمِ الْقُدْرَةِ، وَ جَسِيمِ النُّعْمَةِ، لَرَجَعُوا إِلَى الطَّرِيقِ، وَخَافُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ، وَلَكِنَّ الْقُلُوبَ عَلِيلَةً، وَالْأَبْصَارَ مَدْخُولَةً! أَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى صَغِيرٍ مَا خَلَقَ كَيْفَ أَحْكَمَ خَلْقَهُ، وَ أَتَقَنَّ تَرْكِيْبَهُ، وَفَلَقَ لَهُ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ، وَ سَوَّى لَهُ الْعَظْمَ وَالْبَشَرَ. أَنْظُرُوا إِلَى

النَّمْلَةُ فِي صِغَرِ جُثَّتِهَا، وَ لَطَافَةِ هَيْئَتِهَا، لَا تَكَادُ تُنَالُ بِلِحْظِ الْبَصَرِ، وَلَا بِمُسْتَدْرَكِ
 الْفِكْرِ، كَيْفَ دَبَّتْ عَلَى أَرْضِهَا، وَ صَبَّتْ عَلَى رِزْقِهَا! تَنْقُلُ الْحَبَّةَ إِلَى جُحْرِهَا، وَ
 تُعِدُّهَا فِي مُسْتَقَرِّهَا، تَجْمَعُ فِي حَرِّهَا لِبَرْدِهَا، وَ فِي وُرُودِهَا لِصَدْرِهَا، مَكْفُولَةٌ
 بِرِزْقِهَا، مَرْزُوقَةٌ بِوَفْقِهَا. لَا يُغْفِلُهَا الْمَنَّانُ، وَ لَا يَحْرِمُهَا الدِّيَّانُ، وَ لَوْ فِي الصَّفَا
 الْيَابِسِ، وَ الْحَجَرِ الْجَامِسِ، وَ لَوْ فَكَّرْتَ فِي مَجَارِي أَكْلِهَا وَ فِي عُلُوبِهَا وَ سَفْلِهَا،
 وَ مَا فِي الْجَوْفِ مِنْ شَرَّاسِيفِ بَطْنِهَا، وَ مَا فِي الرَّأْسِ مِنْ عَيْنِهَا وَ أُذُنِهَا، لَقَضَيْتَ
 مِنْ خَلْقِهَا عَجَبًا، وَ لَقَيْتَ مِنْ وَصْفِهَا تَعَبًا، فَتَعَالَى الَّذِي أَقَامَهَا عَلَى قَوْمِهَا، وَ
 بَنَاهَا عَلَى دَعَائِمِهَا. لَمْ يَشْرِكْهُ فِي فِطْرَتِهَا فَاطِرٌ، وَ لَمْ يُعْنَهُ عَلَى خَلْقِهَا قَادِرٌ، وَ لَوْ
 ضَرَبْتَ فِي مَذَاهِبِ فِكْرِكَ لِتَبْلُغَ غَايَاتِكَ مَا دَلَّتْكَ الدَّلَالَةُ إِلَّا عَلَى أَنَّ فَاطِرَ النَّمْلَةِ
 هُوَ فَاطِرُ النَّخْلَةِ، لِذَقِيقِ تَفْصِيلِ كُلِّ شَيْءٍ، وَ غَامِضِ اخْتِلَافِ كُلِّ حَيٍّ!! وَ مَا
 الْجَلِيلُ وَ اللَّطِيفُ، وَ الثَّقِيلُ وَ الْخَفِيفُ، وَ الْقَوِيُّ وَ الضَّعِيفُ فِي خَلْقِهِ إِلَّا سَوَاءً. وَ
 كَذَلِكَ السَّمَاءُ وَ الْهَوَاءُ، وَ الرِّيَّاحُ وَ الْمَاءُ. فَانظُرْ إِلَى الشَّمْسِ وَ الْقَمَرِ، وَ النَّبَاتِ
 وَ الشَّجَرِ، وَ الْمَاءِ وَ الْحَجَرِ، وَ اخْتِلَافِ هَذَا اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ، وَ تَفَجَّرِ هَذِهِ الْبِحَارِ،
 وَ كَثْرَةَ هَذِهِ الْجِبَالِ وَ طُولِ هَذِهِ الْقِلَالِ، وَ تَفَرُّقِ هَذِهِ اللُّغَاتِ، وَ الْأَلْسُنِ
 الْمُخْتَلِفَاتِ، فَالْوَيْلُ لِمَنْ أَنْكَرَ الْمُقَدَّرَ، وَ جَحَدَ الْمُدَبِّرَ. زَعَمُوا أَنَّهُمْ كَانَتَاتِ مَا
 لَهُمْ زَارِعٌ، وَ لَا لِاخْتِلَافِ صُورِهِمْ صَانِعٌ، وَ لَمْ يَلْجَأُوا إِلَى حُجَّةٍ فِيمَا ادَّعَوْا، وَ لَا
 تَحْقِيقٍ لِمَا وَعَوْا، وَ هَلْ يَكُونُ بِنَاءٌ مِنْ غَيْرِ بَانٍ، أَوْ جِنَايَةٌ مِنْ غَيْرِ جَانٍ؟

وَإِنْ شِئْتَ قُلْتَ فِي الْجَرَادِ إِذْ خَلَقَ لَهَا عَيْنَيْنِ حَمْرَاوَيْنِ، وَأَسْرَجَ لَهَا حَدَقَتَيْنِ
 قَمْرَاوَيْنِ، وَجَعَلَ لَهَا السَّمْعَ الْخَفِيَّ، وَفَتَحَ لَهَا الْفَمَ السَّوِيَّ، وَجَعَلَ لَهَا الْحِسَّ
 الْقَوِيَّ، وَنَابَيْنَ بِيهَا تَقْرِضُ، وَ مِنْجَلَيْنِ بِيهَا تَقْبِضُ، يَرْهَبُهَا الزَّرَّاعُ فِي زَرْعِهِمْ، وَ
 لَا يَسْتَطِيعُونَ ذَبَّهَا وَ لَوْ أَجْلَبُوا بِجَمْعِهِمْ، حَتَّى تَرِدَ الْحَرثَ فِي نَزَوَاتِهَا، وَ تَقْضِيَ
 مِنْهُ شَهَوَاتِهَا، وَ خَلَقَهَا كُلُّهُ لَا يَكُونُ إِصْبَعًا مُسْتَدَقَّةً. فَتَبَارَكَ اللَّهُ الَّذِي يَسْجُدُ لَهُ
 مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا، وَ يُعْفَرُ لَهُ خَدًّا وَ وَجْهًا، وَ يُلْقَى
 بِالطَّاعَةِ إِلَيْهِ سِلْمًا وَضَعْفًا، وَ يُعْطَى لَهُ الْقِيَادَ رَهْبَةً وَ خَوْفًا، فَالطَّيْرُ مُسَخَّرَةٌ لِأَمْرِهِ،
 أَحْصَى عَدَدَ الرِّيشِ مِنْهَا وَ النَّفْسِ، وَ أَرَسَى قَوَائِمَهَا عَلَى النَّدى وَ الْيُبْسِ، قَدَّرَ
 أَقْوَاتَهَا، وَ أَحْصَى أَجْنَاسَهَا. فَهَذَا غُرَابٌ وَ هَذَا عُقَابٌ، وَ هَذَا حَمَامٌ وَ هَذَا نَعَامٌ،
 دَعَا كُلُّ طَائِرٍ بِاسْمِهِ، وَ كَفَّلَ لَهُ بَرَزَقَهُ، وَ أَنْشَأَ السَّحَابَ الثَّقَالَ فَأَهْطَلَ دِيمَهَا، وَ
 عَدَدَ قِسْمَهَا، فَبَلَّ الْأَرْضَ بَعْدَ جُفُوفِهَا، وَ أَخْرَجَ نَبْتَهَا بَعْدَ جُدُوبِهَا.

در ستایش پیامبر

خداشناسی

ستایش خداوندی را سزاست که حواس او را درک نکنند، و مکانها او را
 دربرنگیرند، دیدگان او را ننگرند، و پوششها او را پنهان نسازند، با حدوث
 آفرینش ازلی بودن خود را ثابت کرد، و با پیدایش انواع پدیده‌ها وجود خود را
 اثبات فرمود، و با همانند داشتن مخلوقات ثابت شد که خدا همانندی ندارد ▪
 خدا در وعده‌های خود راستگو، و برتر از آن است که بر بندگان ستم روا دارد،

میان مخلوقات به عدل و داد رفتار کند، و در اجرای احکام عادلانه فرمان دهد، حادث بودن اشیا، گواه بر ازلیت اوست، و ناتوانی موجود، دلیل قدرت بی‌مانند او، و نابودی پدیده‌ها، گواه دائمی بودن اوست. خدا یکی است نه با شمارش، همیشگی است نه با محاسبه زمان، برپاست نه با نگهدارنده‌ای، اندیشه‌ها او را می‌شناسند نه با درک حواس، نشانه‌های خلقت به او گواهی می‌دهند نه به حضور مادی، فکرها و اندیشه‌ها بر ذات او احاطه ندارند، که با آثار عظمت خود بر آنها تجلی کرده است، و نشان داد که او را نمی‌توانند تصور کنند، و داوری این ناتوانی را بر عهده فکرها و اندیشه‌ها نهاد «بزرگی نیست دارای درازا و پهنا و ژرفا، که از جسم بزرگی برخوردار باشد، و باعظمتی نیست که کالبدش بی‌نهایت بزرگ و ستبر باشد، بلکه بزرگی خدا در مقام رتبت، و عظمت او در قدرت و حکومت اوست.»

ویژگیهای پیامبر اسلام (ص)

گواهی می‌دهم که محمد (ص) بنده و فرستاده خدا، و پیامبر برگزیده، و امانتدار پسندیده اوست (درود خدا بر او و عترت او باد) (خدا او را با حجت‌های الزام‌کننده، و پیروزی آشکار، و راه روشن فرستاد، پس رسالت خود را آشکار رساند و مردم را به راه راست واداشت، و به همگان نشان داد، و نشانه‌های هدایت را برافراشت، و چراغهای روشن را بر سر راه آدمیان گرفت، رشته‌های اسلام را استوار کرد، و دستگیره‌های ایمان را محکم و پایدار نمود.)

راه‌های خداشناسی

اگر مردم در عظمت قدرت خدا، و بزرگی نعمت‌های او می‌اندیشیدند، به راه راست بازمی‌گشتند، و از آتش سوزان می‌ترسیدند، اما دلها بیمار، و چشمها معیوب است. آیا به مخلوقات کوچک خدا نمی‌نگرند؟ که چگونه آفرینش آن را استحکام بخشید؟ و ترکیب اندام آن را برقرار، و گوش و چشم برای آن پدید آورد، و استخوان و پوست متناسب خلق کرد؟ به مورچه و کوچکی جثه آن بنگرید، که چگونه لطافت خلقت او با چشم و اندیشه انسان درک نمی‌شود، نگاه کنید! چگونه روی زمین راه می‌رود، و برای به دست آوردن روزی خود تلاش می‌کند؟ دانه‌ها را به لانه خود منتقل می‌سازد، و در جایگاه مخصوص نگه می‌دارد، در فصل گرما برای زمستان تلاش کرده، و به هنگام درون رفتن، بیرون آمدن را فراموش نمی‌کند. روزی مورچه تضمین گردیده، و غذاهای متناسب با طبعش آفریده شده است، خداوند منان از او غفلت نمی‌کند، و پروردگار پاداش‌دهنده محرومش نمی‌سازد، گرچه در دل سنگی سخت و صاف یا در میان صخره‌ای خشک باشد، اگر در مجاری خوراک و قسمتهای بالا و پایین دستگاه گوارش و آنچه در درون شکم او از غضروفهای آویخته به دنده تا شکم، و آنچه در سر اوست از چشم و گوش، اندیشه نمایی، از آفرینش مورچه دچار شگفتی شده و از وصف او به زحمت خواهی افتاد، پس بزرگ است خدایی که مورچه را بر روی دست و پایش برپا داشت، و پیکره وجودش را با استحکام نگاه داشت در آفرینش آن هیچ قدرتی او را یاری نداد و هیچ آفریننده‌ای کمکش نکرد. اگر اندیشه‌ات را بکارگیری تا به راز آفرینش پی برده باشی، دلائل روشن به تو خواهند گفت که آفریننده مورچه کوچک همان آفریدگار درخت بزرگ خرماست، به جهت دقتی که جدا جدا در آفرینش هر چیزی بکار رفته، و

اختلافات و تفاوت‌های پیچیده‌ای که در خلقت هر پدیده حیاتی نهفته است، همه موجودات سنگین و سبک، بزرگ و کوچک، نیرومند و ضعیف، در اصول حیات و هستی یکسانند، و خلقت آسمان و هوا و بادها و آب یکی است. پس اندیشه کن در آفتاب و ماه، و درخت و گیاه، و آب و سنگ، و اختلاف شب و روز، و جوشش دریاها، و فراوانی کوهها، و بلندای قله‌ها، و گوناگونی لغت‌ها، و تفاوت زبانها، که نشانه‌های روشن پروردگارند. پس وای بر آن کس که تقدیرکننده را نپذیرد، و تدبیرکننده را انکار کند. و اختلافات صورتهایشان را سازنده‌ای نیست، بر آنچه ادعا می‌کنند حجت و دلیلی ندارند، و بر آنچه در سر می‌پروراند تحقیقی نمی‌کنند. آیا ممکن است ساختمانی بدون سازنده، یا جنایتی بدون جنایتکار باشد؟

شگفتی آفرینش ملخ

و اگر خواهی در شگفتی ملخ سخن گو، که خدا برای او دو چشم سرخ، دو حدقه چونان ماه تابان آفرید، و به او گوش پنهان، و دهانی متناسب اندامش بخشیده است، دارای حواس نیرومند، و دو دندان پیشین که گیاهان را می‌چیند، و دو پای داس‌مانند که اشیاء را برمی‌دارد، کشاورزان برای زراعت از آنها می‌ترسند و قدرت دفع آنها را ندارند گر چه همه متحد شوند. ملخها نیرومندانه وارد کشتزار می‌شوند و آنچه میل دارند می‌خورند، در حالی که تمام اندامشان به اندازه یک انگشت باریک نیست!

نشانه‌های خدا در طبیعت

پس بزرگ است خداوندی که تمام موجودات آسمان و زمین، خواه و ناخواه او را سجده می‌کنند، و در برابر او با خضوع چهره بر خاک می‌سایند، و رشته اطاعت او را در تندرستی و ناتوانی به گردن می‌نهند، و از روی ترس و بیم زمام اختیار خود را به او می‌سپارند. پرندگان رام فرمان اویند، از تعداد پرها و نفسهای پرندگان آگاه است، برخی را پرنده آبی و گروهی را پرنده خشکی آفرید، و روزی آنها را مقدر فرمود، و اقسام گوناگون آنها را می‌داند، این کلاغ است و آن عقاب، این شترمرغ است و آن کبوتر، هر پرنده‌ای را به نام خاصی فراخواند، و روزیش را فراهم کرد. خدایی که ابرهای سنگین را ایجاد، و بارانهای پی‌درپی را فرستاد، و سهم باران هر جایی را معین فرمود، زمینهای خشک را آبیاری کرد، و گیاهان را پس از خشکسالی رویاند.